

# پایان نظم لیبرال با چالش‌گری چین!

استراتژی امنیت ملی جدید امریکا نشان‌دهنده تقابل فزاینده واشنگتن با پکن است

■ **دکتر سیدرضا میرطاهر**

دولت بایدن اولین سند استراتژی امنیت ملی خود را با تأخیر زیاد روز چهارشنبه ۲۰مهر( ۱۲ آکتبر) منتشر کرد. «جو بایدن» رئیس‌جمهور امریکا در حالی سند ۴۸صفحه‌ای راهبرد امنیت ملی دولت خود را منتشر کرد که طبق برنامه اولیه قصد انتشار آن را در چند ماه پیش از شروع عملیات نظامی ارتش روسیه در اوکراین داشت. در ماه‌های اخیر محبوبیت بایدن و حزب دموکرات در میان امریکایی‌ها به دلیل افول وضعیت اقتصادی‌کشور و سیاست‌های فاجعه‌بار دولت او در عرصه سیاست خارجی با مسائل مختلف به شدت کاهش یافته و با نزدیک شدن به موعد برگزاری انتخابات میاندوره‌ای مهم کشور امریکا در ماه نوامبر زنگ خطر برای حزب دموکرات در خصوص افت شانس پیروزی این حزب در انتخابات و قدرت پیدا کردن جمهوری خواهان رقیب به صدا در آمده است.

بایدن در این سند که عمده تمرکز آن بر مقابله امریکا با روسیه و چین است، اعتراف می‌کند، تغییر بزرگی در عرصه سیاست جهانی به وقوع پیوسته است و نطقی که برای مدت سه دهه بعد از پایان جنگ سرد در جهان وجود داشت «قطعاً پایان یافته است» و یک دوره جدید «رقابت میان قدرت‌های بزرگ برای شکل دادن به اتفاقات آینده در حال اجراست.» رئیس‌جمهور امریکا که در مارس ۲۰۲۱ یک خط مشی امنیت ملی موقت را منتشر کرده بود، در این سند که اولین راهبرد رسمی امنیت ملی دولتی محسوب می‌شود، چین را به عنوان تنها رقیب تقریباً هم‌تا با امریکا در عرصه جهانی قلمداد بر لزوم حفظ توجه امریکا به روسیه تأکید کرده است. امریکا در این سند از «جمهوری خلق چین» به عنوان مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیکی واشنگتن یاد و همچنین تصریح کرده است روسیه فوری‌ترین تهدید علیه نظم منطقه‌ای در اروپا به‌شمار می‌رود.

در صفحه ۱۱ این سند ۴۸صفحه‌ای اینپور آمده است: «این سند راهبردی انداعن می‌کند جمهوری خلق چین مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیکی امریکا به‌شمار می‌رود. با آنکه ایندو – پاسیفیک جایی است که نتایج این موضوع بیشتر شکل داده خواهد شد، این چالش ابعاد جهانی مهمی خواهد داشت.» دولت بایدن در مقدمه کوتاه این سند ۴۸صفحه‌ای نوشت: «چین این نیت

را به همراه ظرفیتی فزاینده دارد که نظم بین‌المللی را به نحوی شکل دهد تا زمین بازی جهانی را همچنان که امریکا متعهد به مدیریت مسئولانه رقابت بین ماست، متمایل به منافع خودش کند.»

در این سند بالادستی درباره تهدیدات ادعایی از جانب روسیه نیز آمده است: «روسیه، تهدیدی مستمر و فوری برای نظم منطقه‌ای در اروپا به‌شمار می‌رود و در سطح جهان منبع آشوب و بی‌ثباتی است، با وجود این، روسیه فاقد توانمندی‌های گسترده جمهوری خلق چین است.» دولت بایدن در مقدمه خود بر این سند با اشاره به عملیات هشت ماهه ارتش روسیه در اوکراین ادعا کرد این عملیات «صلح را در اروپا در هم شکسته و بر ثبات در همه جا تأثیر گذاشته است.» کاخ

سفید آنچه «تهدیدات هسته‌ای بی‌ملاحظه» ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه خواند، عامل «به‌خطر انداختن نظام جهانی عدم انتشار تسلیحات هسته‌ای» خواند. بایدن ظاهراً در اشاره به چین و روسیه از آنها با واژه «اقتدارگرایان» یاد ادعا کرد، آنها «تمام‌وقت تلاش می‌کنند موارسی را تضعیف و مدل حاکمیت همراه با سرکوب در خانه و اعمال زور در خارج را صادر کنند.»

### تنش

مسئله عربستان نه امریکاست نه روسیه

## ضر به انتخاباتی سعودی به بایدن



نفت خود را کاهش می‌دهد.» گذشته از این، بیانه‌ی اخیر وزارت خارجه عربستان اصرار به این دارد که «تصمیم اوپک پلاس با اجماع همه کشورهای عضو این مجموعه گرفته شده نه توسط یک کشور.» روشن است سعودی‌ها می‌خواهند به هر صورت که شده اقدام خود را جدای از منازعه بین روسیه و غرب توجیه کنند و با اقتصادی خواندن تصمیم‌شان منکر انگیزه‌های سیاسی آن بشوند. با این حال، شکی نیست تصمیم اوپک‌پلاس یک تصمیم سیاسی است و نه اقتصادی. اصرار امریکایی‌ها برای تعویق کاهش تولید دست‌کم تا بعد از ماه نوامبر نشان می‌دهد این تصمیم به هیچ وجه اقتصادی نیست و در مقطع فعلی کاملاً سیاسی است. در واقع، امریکا و اتحادیه اروپا به‌نامی آن تعیین سقف قیمت بر نفت صادراتی روسیه دارند و قرار است این برنامه از پنجم دسامبر برای نفت خام روسیه و از پنجم فوریه ۲۰۲۳ برای فرآورده‌های نفتی این کشور اعمال شود. طبق این برنامه، هر کشوری که سقف قیمت تعیین شده از سوی غرب برای خرید نفت روسیه را رعایت نکند با تحریم‌های آن مواجه خواهد شد. این برنامه از زوایای نامی آن در نشست ماه ژوئن گروه نفت از سوی تحلیگران مورد شک و تردید قرار گرفته بود، زیرا موضوع جدی در مقابیل آن می‌دیدند و حالا کاهش تولید

■ **ادعاهای جدید امریکا علیه چین**
«جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی کاخ سفید روز پنج‌شنبه ۲۱ مهر به تبیین چالش‌هایی که امریکا با آن مواجه است، پرداخت. او ادعا کرد جهان بار دیگر در یک نقطه عطف قرار گرفته و چین رقیبی است که قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد. سالیوان در کنفرانس خبری کاخ سفید گفت: «مروز، جهان ما بار دیگر در یک نقطه عطف قرار گرفته است. ما در سال‌های نخستین یک دهه تعیین‌کننده قرار گرفته‌ایم.» سالیوان گفت: «چین در

## د

سند استراتژی امنیت ملی امریکا نشان می‌دهد واشنگتن از این هراس دارد که چین به همراه روسیه، نظم بین‌المللی لیبرال را که جهان غرب مبدع و حامی بقای آن است، به چالش بکشد»

# پیر الممل

سرویس بین‌الملل ۹ ۸۸۹۹۸۴۴

■ **ضدیت با چین و روسیه**

به رغم ادعاهای مقامات دولت بایدن درباره رقابت برابر با چین و تنش‌زدایی در روابط دو جانبه، آنچه از خلال مواضع و اقدامات امریکا در قبال چین از زمان روی کار آمدن بایدن می‌توان دریافت، تلاش واشنگتن برای تقابیل همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، نظامی و امنیتی، سیاسی و سایبری با پکن و مقابله با ادعاهای درباری آن است. اکنون در جدیدترین اقدام در این زمینه، کاخ سفید با ادعای تهدید تایوان از سوی پکن، در پی گفت‌وگو با کنگره امریکا برای اعلام تایوان به عنوان متحد اصلی غیرناتواست. مسلمانان گامی خطرناک و بسیار ماجراجویانه تلقی می‌شود که تحقق آن به منزله عبور از خط قرمزهای چین در رابطه با تایوان است، زیرا تحقق چنین امری به منزله الزام ایالات‌متحده برای دفاع از تایوان در برابر هر گونه اقدام چین برای الحاق این جزیره به قلمرو چین خواهد بود. به رغم تشدید بی‌سابقه تنش‌ها بین امریکا و چین، واشنگتن اصرار دارد اقدامات تحرک‌آمیز خود را همچنان ادامه دهد که نمونه اخیر آن تلاش برای اعلام تایوان به عنوان متحد اصلی غیرناتو محسوب می‌شود.

داخل و در خارج قاطعانه در حال پیشبرد دیدگاه غیرلیبرال در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فناوری در رقابت با غرب است. چین تنها رقیبی است که هم‌قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم ظرفیت رو به‌رشدی برای انجام آن دارد.» سالیوان گفت: ما متوجه این مسئله هستیم که در فضای ژئوپلیتیک، جمهوری خلق چین مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیکی امریکااست. هشدار جدید این مقام ارشد امنیت ملی امریکا درباره چین به مثابه مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیکی امریکا و قصد آن برای تغییر نظام بین‌الملل لیبرال با توجه به رویارویی رو به رشد ایالات متحده و چین در عرصه منطقه‌ای و جهانی قابل تبیین است. در واقع امریکا مدت‌هاست در اسناد بالادستی خود چین را به عنوان مهم‌ترین تهدید علیه خود و نیز جهان غرب شناسایی کرده و بر لزوم مقابله با بلندپروازی‌های پکن تأکید می‌ورزد. در این راستا دولت بایدن در سند جدید امنیت ملی امریکا بار دیگر به چین ساخته و آن را مهم‌ترین تهدید قلمداد کرده است. وزارت امور خارجه چین در واکنش به سند استراتژی امنیت ملی امریکا اعلام کرد: پکن هرگز به دنبال رقابت درگیری ژئوپولیتیک با واشنگتن نیست، زیرا سودی ندارد.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه می‌گوید: «رئیس‌جمهور فرانسه درک درستی از مناقشه جاری میان ارمنستان و آذربایجان در منطقه قره‌باغ کوهستانی ندارد.» او که این مطلب را در نشست سران کشورهای اتحاد‌جماهیر شوروی سابق در قراقرستان می‌گفت، بر «تادرست» و «غیرقابل قبول خواندن» سخنان اخیر امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه تأکید کرد، هر چند ابراز امیدواری کرد «اگر فرصتی پیش بیاید» موضوع را دوباره با او در میان خواهد گذاشت. این سخنان واکنش پوتین به سخنان روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر ماکرون بود که در شبکه ۲ تلویزیون فرانسه گفت: «روسیه در این درگیری دخالت کرد، آشکارا با همدستی ترکیه تن به بازی آذربایجان داد و برای تضعیف ارمنستان به آنجا بازگشت» و اقدامات روسیه را به عنوان «مانوری برای بی‌ثبات کردن قفقاز ایجاد بی‌نظمی» توصیف کرد و اینکه مسکو با این استراتژی به دنبال «تضعیف همه ما و ایجاد تفرقه بین ماست.»

■ **جبران گذشته**

گذشته از اینکه سخنان ماکرون تا چه حد درست است و تا چه حد نسه و اینکه آیا واقعاً روسیه در یک بازی همدست جمهوری آذربایجان و ترکیه شد تا ارمنستان

در دین حال واشنگتن از این مسئله در هراس است که چین به همراه روسیه، نظم بین‌المللی لیبرال را که جهان غرب مبدع و حامی بقای آن است، به چالش بکشد و اقتدار چند فرنی غرب بر نظام بین‌المللی را خدشه‌دار سازند، البته سران روسیه و چین با‌ها بر لزوم تغییر نظام جهانی از وضعیت کنونی به سوی نظام چندقطبی مبتنی بر نقش پررنگ سازمان ملل تأکید کرده‌اند. در حالی که از دیدگاه امریکا که همواره روویکرد یک‌جانبه‌گرایی را در عرصه جهانی دنبال کرده و به دنبال منافع و اهداف خود به قیمت زیر پا نهادن منافع دیگر کشورهاست، این امر قابل قبول نیست، لذا تلاش می‌کند باز یگران جدید جهانی یعنی چین و روسیه را از آنجا که توان دارد محدود و تضعیف کند. این کار درهه چین با جنگ تجاری و نیز ایجاد ائتلاف‌های مختلف در عرصه آسیا-اقیانوس آرام برای دربر گیری این کشور و هر مورد روسیه با تلاش برای تضعیف هر چه بیشتر توانمندی آن با تدابرم جنگ اوکراین و تضعیف توانمندی نظامی و اقتصادی آن در حال انجام است. با این حال بررسی روندهای جهانی نشانگر افزایش ملموس توان قدرت‌های شرقی و اوراسیایی و افول فزاینده امریکااست.

■ **ماکرون در جنگ ۲۰۲۰ پین جمهوری آذربایجان و نیروهای ارمنی مستقتر در منطقه قره‌باغ کوهستانی چسان ضعیف عمل کرده‌بود که حالا لازم می‌بیند به صورت شده گذشته را جبران کند**

را تضعیف کند، این نکته از سخنان ماکرون برمی‌آید که او در قبال جنگ ۲۰۲۰ بین جمهوری آذربایجان و نیروهای ارمنی مستقتر در منطقه قره‌باغ کوهستانی چنان بیش از این و به عنوان قدرت تعیین‌کننده هر صورت شده گذشته را جبران کند. در واقع، فرانسه مثل بسیاری دیگر از کشورهای غربی که در آن زمان بیشتر نقش ناظران می‌تأثیر را داشتند، سکوت کرد یا دست از عدم‌تحرک جدی آنها یکی از عوامل شدت گرفتن جنگ و پیروزی‌های بی‌دری نیروهای جمهوری آذربایجان بود. ماکرون حدود یک سال بعد از آن جنگ دستگاه دیپلماسی خود را به کار گرفت تا اینکه تلاشی برای جبران گذشته کرده‌باشد و دیپلمات‌های فرانسوی در پاریس و سازمان ملل با نمایندگان ارمنستان ملاقات‌هایی را برگزار کردند. شرایط بعد از جنگ در داخل ارمنستان انگیزه اصلی ماکرون برای گسیل دیپلمات‌هایش در این منطقه بود، زیرا نه تنها نهاد‌های سیاسی بلکه جامعه ارمنستان به طور کلی احساس تلخی از شکست در آن جنگ داشتند و این تصور در افکار عمومی ارمنستان شیوع پیدا کرده بود که روسیه و دیگر اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی در آن جنگ به ارمنستان خیانت کرده‌اند. هر چند روس‌ها بارها سعی کردند سیاست خود را در قبال آن جنگ توجیه کنند اما افکار عمومی در ارمنستان به طور کلی احساس تلخی بلکه به جای آن این سؤال توجه بسیاری را برانگیخت و سازمان پیمان جمعی دریافت نکرده است، پس چه دلیلی برای ادامه عضویت از عضویت در سازمان پیمان جمعی در یافت می‌شود. اگر این موضوع را به پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ماه نوامبر اضافه کنیم، عمده تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها مؤید این نتیجه‌است، انگاه باید گفت که این تصمیم سعودی‌ها ضربه تعیین‌کننده‌ای را بر بایدن و دولتش وارد خواهد کرد که نه تنها دو سال درسرافرینی را پیش روی این دولت می‌گذارد بلکه حتی ممکن است باعث شکست بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ نیز شود.

### رویکرد

## فرصت طلبی بلندپروازانه ماکرون در قفقاز

■ **مقابله با ترکیه**

از سوی دیگر، پرونده جنگ قره‌باغ و منازعه بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان از نگاه ماکرون مستقیماً به موضوع ترکیه مربوط می‌شود. حمایت بی‌دریغ آنکارا از باکو در آن جنگ بر کسی پوشیده نیست، چنان‌که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه بعد از اتمام جنگ و برقراری آتش‌بس در قامت یک فاتح نظامی و نه صرفاً یک متحد سیاسی به باکو رفت. تقریباً می‌توان گفت سیاست مدیترانه‌ای ماکرون از آغاز ریاست جمهوری‌اش متمرکز بر مقابله با ترکیه بود. او این سیاست را در جنگ داخلی لیبی دنبال می‌کرد چراکه ترکیه از دولت مستقتر در طرابلس حمایت سیاسی، نظامی و حتی مالی می‌کرد و نه تنها نیروهای آن را با انواع تسلیحات آرسالی برای ایستادگی در برابر نیروهای ارتش ملی لیبی تحت رهبری ژنرال خلیفه حفتر مجهر می‌کرد بلکه مزدوران سوری را نیز اعزام کرد تا در کنار نیروهای طرابلس بجنگند. حمایت‌گاه بی‌پناه دولت ماکرون از ژنرال حفتر نه سختی با حامیان عرب این ژنرال داشت و نه به‌طور کلی ارتباطی با قدرت‌طلبی آشکار خود حفتر بلکه برای تضعیف ترکیه در این جبهه انجام می‌شد. جبهه دیگر میادین‌گازی در شرق مدیترانه و به ویژه حوالی جزیره قبرس بود که یونان به



شدت از اقدامات اکتشافی ترکیه ناراضی بود و حمایت فرانسه از آن تنش را چنان افزایش داد که ترکیه و یونان را به یک قدمی جنگ با یکدیگر کشاند. مسئله آذربایجان و ارمنستان جبهه سومی برای ماکرون بود که می‌توانست با حمایت از ارمنستان همانند ژنرال حفتر یا یونان در مقابل ترکیه موضع بگیرد و البته تلاش خود را نیز کرد اما یک مانع بزرگ به او اجازه آزادی عمل همانند دو مورد دیگر را نداد. این مانع بزرگ چیزی نبود جز روسیه.

حمله روسیه به اوکراین در ۲۴فوریه و طولانی شدن جنگ در این کشور تأثیر مستقیمی بر وضعیت قفقاز جنوبی گذاشته است. این تصور که روسیه گرفتار در باتلاق اوکراین شده و دیگر نمی‌تواند آن نقشی را داشته باشد که پیش از این و به عنوان قدرت تعیین‌کننده در قفقاز داشت، باکو را برانگیخت تا حملات خود را به سرزمین اصلی ارمنستان از سر بگیرد. هر چند آتش این حملات خاموش شد اما به نظر می‌رسد پس از آتش زبر خاکستر شده و باکو باز به دنبال تجاوز به خاک ارمنستان خواهد بود تا بتواند رویای به اصطلاح کردپر زنگرگور خود را محقق کند. به نظر می‌رسد ماکرون نیز وضعیتی مشابه دارد و از جنگ اوکراین ایسن تصور برای او به وجود آمده‌است که قفقاز جنوبی دیگر اولویت پوتین نیست چراکه جنگ اوکراین توان ایفای نقش گذشته در قفقاز جنوبی را از او گرفته است. به این ترتیب، ماکرون احساس می‌کند برای مداخله در قفقاز و حمایت از ارمنستان دیگر آن مانع بزرگ وجود ندارد و در مصاحبه‌اش با آن شبکه فرانسوی از احساسات عمومی فعلی علیه روسیه و شخص پوتین برای توجیه مداخله‌اش بهره‌برداری می‌کند. با این حال، میزان آن پتانسیلی است که فرانسه برای انجام نخست‌وزیر ارمنستان حساب کند چراکه پانشینیان تاکنون نشان داده عمل‌گراتر از آن است که به وعده‌های بی‌پشتوانه فرانسوی‌ها اعتماد کند. از سوی دیگر، خونسردی پوتین در واکنش نسبت به سخنان ماکرون به گونه‌ای بود که می‌خواست نشان دهد جنگ اوکراین اولویت‌های کلیمین را تغییر ندهد و هنوز هم او بازیگر قابل توجهی در قفقاز جنوبی است، بنابراین ماکرون تا اینجا به جز بیان بلندپروازی‌های خود، نه گشته و نه کاری کرده‌است، هر چند روند جنگ اوکراین باز همه گزینده‌های امنتی‌کننده نشان داده عمل‌گراتر از آن دست سخنان ادامه‌دهنده تا در صورت تضعیف بیشتر روسیه در اوکراین و به دنبال آن در قفقاز جنوبی، بتواند از نزاع بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان نفعی ببرد.